

بسم الله الرحمن الرحيم

کلید واژگان: مسائل اصول فقه، زواید علم اصول، مباحث اصول فقه، دفتر اول، دفتر دوم، دفتر سوم، وظیفه مبینان شریعت، فرق مبحث اصولی و مساله اصولی، علم کلام

در جلسه گذشته بیان شد که ساختار مشهور اصول فقه که از کتاب کفایه مرحوم آخوند است انتقاداتی بر آن وارد است و بیان این انتقادات زمینه ورود به طرح ساختار مختار را فراهم کرد.

زائد بودن یا نبودن برخی مسائل اصولی

می توان گفت: مباحثی در علم اصول، زائد است اما مساله زائدی در اصول نداریم. فرق مساله با مبحث چیست؟ مساله همین عناوینی است که برای بررسی در علم اصول فقه فهرست می شود و مبحث، سخنانی است که ذیل این عناوین مطرح می شود. مثلاً در موضوع خبر واحد، حجیت و عدم حجیت خبر واحد یک مساله است اما ذیل این مساله مواردی مطرح می شود از جمله اینکه خبر واحد چیست؟ ادله حجیت خبر واحد چه مواردی است؟ نظر مخالفان چیست و نظر موافقان چیست؟ اینها همه جزو مباحثی است که ذیل مساله اصولی خبر واحد مطرح می شود. لذا در داوری به این نکته باید دقت کرد و کسانی که می گویند مسائل علم اصول زوائد دارد و باید برخی از آنها حذف شود کلام درستی نیست اما اگر گفته شود که مباحث زائدی دارد که باید حذف شود کلام قابل دفاعی است. در همین مساله حجیت خبر واحد، می توان برخی از مباحث ذیل آن را حذف کرد. به عنوان مثال اگر گفته شود: عمده دلیل حجیت خبر واحد بنای عقلاست، حال اگر بیابیم در حجیت خبر واحد بحث آیه نبأ را بیان کنیم و شش تقریر آن را بیان کنیم و اشکالات بر آن شش تقریر را بیان کنیم و نقد بر اشکالات را نیز بررسی کنیم و سرانجام هم به این برسیم که آیه نبأ دلالتی بر حجیت خبر واحد ندارد. لذا باید متوجه تفاوت مساله اصولی با مبحث اصولی بود. ما مساله اصولی سراغ نداریم که در فقه ثمره نداشته باشد. بلکه ممکن است یک مساله اصولی باشد که من نتوانم برای آن ثمره ای پیدا کنم. لذا مسائلی که کمتر ثمره دارد را باید سریعتر عبور کرد. نتیجه اینکه اصول موجود قابل تلخیص در بخش مباحث است و قابلیت این را دارد که از برخی مسائل کم ثمره سریعتر عبور کنیم.

اما باید توجه داشت که اعتقاد به زائد بودن برخی مباحث و تنزلاً برخی مسائل اصولی، نباید ما را از این غافل کند که بسیاری از مسائلی که باید در اصول فقه بحث شود بحث نشده است. لذا ما بیان کردیم که اصول موجود در حکم دفتر اول است و دو دفتر دیگر باید به آن اضافه شود که دفتر اول شامل تعهدات مبینان شریعت و التزاماتی است که رعایت کرده اند و دفتر سوم مسائل پیرامونی دخیل در صحن استنباط است از قبیل بحث عقل و عرف و مقاصد شریعت و منبع واره ها و مناسبات حکم و موضوع و ...

پرسش: اینکه شما می گوید برخی مباحث یا مسائلی که می بایست در علم اصول بحث می شده و نشده منشأ این نظر شما چیست؟ آیا این ادعا را با توجه به تعریف علم اصول مطرح می کنید یا از موضوع علم اصول و یا از غرض علم اصول؟

پاسخ: ما این نظر را از توجه به صحن استنباط در خارج مطرح می کنیم و به تعریف، موضوع و غرض علم اصول مبتنی نیست. ما در قریب به پنج دهه تحصیل و تدریس و پژوهش در زمینه علم اصول و کار فقهی انجام دادن به مواردی در استنباط بر می خوردیم که می بایست مساله ای پیش از آن بررسی شود که آن مساله در علم اصول موجود بحث نشده بود. مثلاً مشاهده می شد برخی باحثان، کلام عامی که از لسان مبارک پیامبر (ص) صادر شده را با کلام خاصی که از لسان مبارک امام صادق یا امام عسکری علیهما السلام صادر شده بود تخصیص می زدند. ما چقدر آیات قرآن داریم که مخصص آن در کلام امام صادق (ع) است و چقدر مطلقات قرآنی داریم که مقید آن در کلام امام باقر (ع) است. تکلیف کسانی که در این فاصله صد و سی چهار ساله به مطلقات قرآنی عمل می کردند چه می شود؟ مسئولیت و تعهد مبینان شریعت چه می شود که نباید اغراء به جهل کنند و ... لذا ما از برخورد با واقعیت های بیرونی به این نتیجه رسیدیم که باید ساختار اصول موجود گسترش پیدا کند. کسی نباید بگوید که اگر از تعریف، موضوع یا غرض علم اصول نیست پس از کجاست؟ منشأ طرح این نظر، احتیاج در صحن استنباط بوده ولی بالاخره ملحق به غرض علم اصول خواهد شد.

پرسش: بررسی تعهدات شارع و مبینان شریعت وظیفه علم کلام است نه علم اصول و اینکه علمای اصول این مبحث را در علم اصول بحث نکرده اند این است که ایشان این مسائل را جزو علم اصول نمی دانستند و آن را جزو علم کلام می دانستند چون علم کلام متکفل بررسی فعل خداوند است.

پاسخ: خیلی از مسائلی که ما در این دفتر مدعی هستیم باید در اصول بحث شود صرفاً مربوط به فعل خدای متعال نیست که در کلام بحث شود. مثلاً بحث از عرف و کارکرد دیگر منبع واره ها مانند بحث از خود منابع است. اگر کسی به سه کتاب فقه و عرف، فقه و مصلحت و فقه و عقل مراجعه کند آیا عموم مباحث این سه کتاب از جنس مباحث اصولی است یا از جنس مباحث کلامی است؟ نکته دیگر اینکه در علم کلام فقط از فعل خداوند صحبت می شود یا از فعل خداوند و پیامبر و معصومین و مبینان شریعت؟ ظاهراً فقط فعل خداوند است آن هم نه از این منظر که خدای متعال مبین شریعت است در حالیکه مباحثی که ما می گوئیم باید وارد اصول بشود بررسی فعل خداوند بما هو شارع و مبین للشریعه است. مضافاً بر اینکه برخی از مسائل ممکن است هم حیث کلامی داشته باشد و هم حیث اصولی داشته باشد. مثلاً مساله گستره شریعت از این جهت که بگوییم خدای متعال شریعت خود را تا چه میزان گسترش داده است و تا چه حد با ابعاد زندگی مردم سر و کار دارد و فعل خدا هم به عنوان رب العالمین بررسی شود اینجا بحث کلامی است اما اگر بحث گستره شریعت از این جهت بحث شود که آیا ما واجبات و محرماتی در زندگی مردم داریم یا نه؟ آیا خدای متعال همانطور که به نماز دستور داده، به مدیریت جامعه هم دستور داده یا نه؟ این مباحث که منتج به صدور حکم می شود از جنس مباحث اصولی است. جواب آخر هم اینکه اگر مساله ای برای هر دانشی بود ولی برای مقصود ما کارکرد داشت و در جای دیگری هم بحث نشده به عنوان مبادی آن دانش می توان با آن معامله کرد.

خلاصه بحث:

در داوری درباره زائد بودن یا نبودن برخی مسائل اصولی باید دقت کرد که مساله اصولی با مباحث اصولی تفاوت دارد. عناوین مورد بحث در اصول مسائل عمل اصول است و گفتارهای ذیل این مسائل، مباحث اصولی است. ما معتقدیم مباحث قابل تلخیص است اما مسائل همگی در فقه ثمره دارد و فقط از مسائل کم ثمره می توان سریعتر عبور کرد.

پرسش: ضرورت گسترش دامنه اصول فقه موجود را با توجه به کدامیک از این موارد طرح کردید؟ تعریف، موضوع، غرض؟ پاسخ: هیچکدام. منشأ، احتیاج در صحن استنباط در خارج بوده هر چند نهایتاً ملحق به غرض علم اصول می شود.

پرسش: بررسی تعهدات شارع و مبینان شریعت کار علم کلام است نه علم اصول؟ پاسخ: 1. مسائلی که در اصول باید باشد و نیست همگی مربوط به فعل خداوند نیست مانند بحث از منبع واره ها. 2. در علم کلام فقط از فعل خداوند بحث می شود بما هو رب العالمین در مباحث ما فعل خداوند و مبینان شریعت بما هو شارع و مبین للشریعه بحث می شود. 3. برخی مباحث هم می تواند حیث کلامی داشته باشد هم حیث اصولی. 4. اگر مساله ای برای هر دانشی بود ولی برای مقصود ما کارکرد داشت و در جای دیگری هم بحث نشده به عنوان مبادی آن دانش می توان با آن معامله کرد.